



- اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران
- مؤلف: حسین آبدیان
- ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۶

مقدمه

جنبش تنباکو در نظر بسیاری از محققان سرآغاز بیداری ملی ایرانیان قلمداد می‌شود و همواره از موضوعات مورد توجه محققان بوده است. موضوع کتاب حاضر مربوط به جنبش تنباکو است که در آن مؤلف سعی کرده است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- به راستی فلسفه وقوع آن خیزش عظیم در ایرانی که خبری از رواج اندیشه‌های سیاسی جدید نبود چه بود؟
- ۲- آیا مردم طالب رهایی از حکومت قاجار و تأسیس نظامی دموکراتیک بودند؟
- ۳- چه کسانی رهبری آن خیزش را به عهده داشتند و دلایل آنها برای مخالفت با امتیاز نامه تنباکو چه بود؟
- ۴- کدامین عناصر مردم را به هم متصل می‌کرد و چه زمینه فکری باعث

اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران

○ اعظم مظاهری

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرابخشی
رتال جامع علوم انسانی

می‌شد که مردم در تهران، شیراز، تبریز، اصفهان و سایر نقاط کشور با یکدیگر همدلی نشان دهند؟

۵- آیا مردم فقط طالب آزادی بودند و تنباکو بهانه‌ای برای این امر بود یا آن که در پس آن جنبش مبانی دیگری نهفته بود؟
از دیدگاه نویسنده، دو دغدغه اساسی در خیزش تنباکو سهیم بوده‌اند: نخست دغدغه حفظ اعتقادات مردم و دیگری دغدغه حفظ قلمرو ارضی ایران.

نویسنده در این تحقیق به دو بُعد توجه داشته است: نقل حوادث و تحلیل و تفسیر وقایع تاریخی مربوط به جنبش تنباکو، که تحلیل حوادث نیز مبتنی بر روایات تاریخی است و داوری‌های انجام گرفته از سوی مؤلف نیز در راستای نقد دیدگاه‌های معارض ارائه شده است.

از جمله منابع مورد استفاده مؤلف در نگارش کتاب عبارت‌اند از:

از دیدگاه نویسنده کتاب

«اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران»

دو دغدغه اساسی در خیزش تنباکو

سهیم بوده‌اند:

- نخست دغدغه حفظ اعتقادات مردم

- دیگری دغدغه حفظ قلمرو ارضی ایران

کتاب تحریم تنباکو نوشته ابراهیم تیموری که در واقع چیزی جز همان رساله دخانیه از شیخ حسن کربلایی نیست. علت استفاده نویسنده از این کتاب آن بوده که تیموری در کتاب خود از منابع دست اولی استفاده کرده است که در رساله شیخ حسن کربلایی نبوده است.

دومین اثری که مورد استفاده مؤلف بوده، رساله شیخ حسن کربلایی است که از ناظران جنبش تنباکو بوده و کتاب وی از منابع دست اول به حساب می‌آید.

روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه که در آن اعتمادالسلطنه متن برخی اعلانات را بی‌کم و کاست آورده و مشاهدات خود را نقل نموده است، از منابع مورد استفاده مؤلف بوده و مضمون مطالب آن حاکی از مخالفت اعتمادالسلطنه با امتیازنامه تنباکو است.

خاطرات عباس میرزا ملک‌آرا برادر شاه که از مخالفان امتیاز بوده و در مطالبش آثار لعن و طعن نسبت به عاقدين این قرارداد دیده می‌شود و جلد اول تاریخ بیداری ایرانیان از ناظم‌الاسلام کرمانی که تلگراف‌های علما را عیناً نقل نموده است و بیشتر به حوادث رخ داده در تهران اشاره دارد از جمله منابعی هستند که مؤلف در نگارش این اثر از آنها استفاده کرده است.

اسناد سیاسی که توسط ابراهیم صفایی جمع‌آوری شده است، چون سهیمی اساسی در فهم حوادث دارد، مؤلف از آنها نیز نهایت بهره را برده است. دو اثر دیگری که نقش مهمی در تألیف این اثر داشته‌اند، سه سال در دربار ایران از دکتر فووریه پزشک ناصرالدین شاه و خاطرات کنلن کاساکوفسکی است که این اثر بدین لحاظ که نشان می‌دهد بریگاد قزاق در راستای منافع روس چگونه از اقدام علیه مخالفان رژی خودداری کرد قابل توجه است.

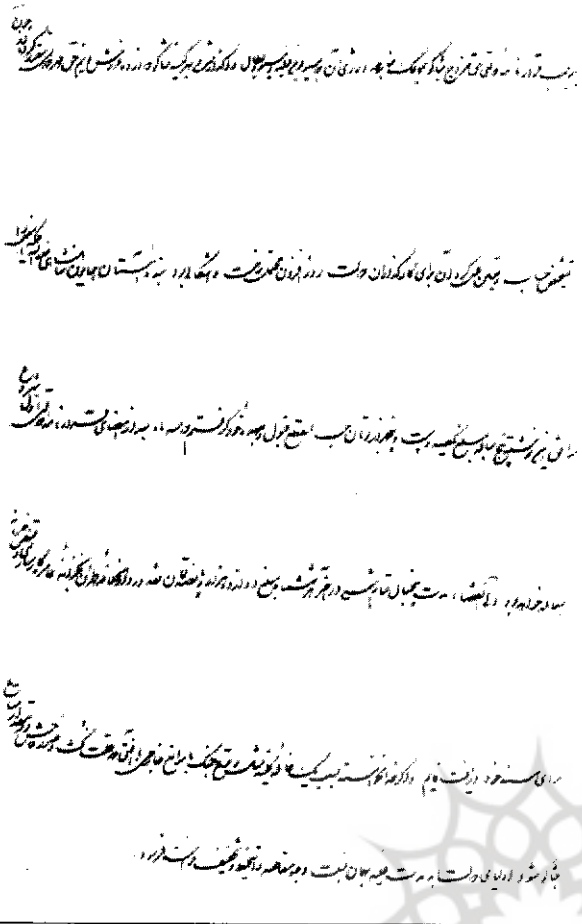
کتاب روس و انگلیس در ایران از فیروز کاظم‌زاده هم از آن جهت که به گونه‌ای وسیع از اسناد بهره برده است و مبتنی بر رقابت‌های روسیه و انگلیس بوده است، مورد استفاده قرار گرفته است.

معرفی کتاب:

مؤلف، کتاب خود را در یازده فصل تألیف نموده و در نهایت با یک داوری نهایی، و جمع‌بندی کار را به پایان برده است.

در فصل اول مؤلف به خودکامگی سیاسی شاه و مواضع علما اشاره می‌کند و به موضوعاتی چون نظریه ظل‌اللهی بودن شاهان و مخالفت علما با این نظریه و تلاش علما در جهت حفظ اسلام و تمامیت ارضی کشور می‌پردازد. او حمایت علما از شاهان را تا هنگامی می‌داند که آنها به وظایف خود دایر بر حفظ قلمرو اسلام توجه داشتند.

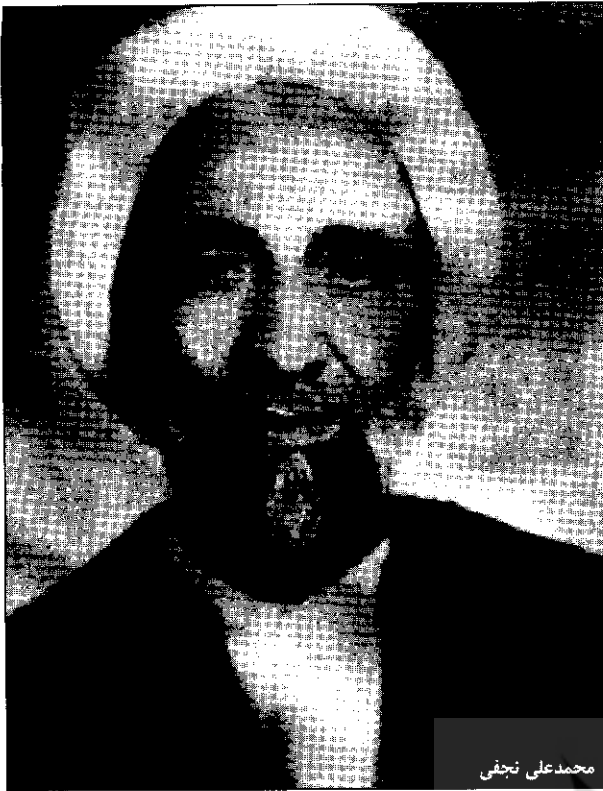
در فصل دوم به پدیده منورالفکری در ایران دوره ناصری پرداخته و به مدرنیته و خرد مدرن و تناقض در دیدگاه‌های منورالفکری ایرانیان اشاره



می‌کند.

مبانی نظری اندیشه علمای شیعه از دیگر مباحث کتاب است که به بیان رفتار علما و شاهان قاجار و بی‌اعتنایی علما به سلاطین قاجار، از جمله عدم توجه ملا محمدعلی مظفر اصفهانی به اقامه‌محمدخان و یا عدم پذیرش امامت جمعه تهران توسط سیدمحمدباقر شفتی از سوی فتحعلی‌شاه می‌پردازد. مؤلف در این فصل نشان می‌دهد که دوره فتحعلی‌شاه دوره غلبه علمای اصولی بر اخباریون بوده است و حال آنکه در عصر محمدشاه بین علما و دولت مرکزی تضاد وجود داشته است؛ چون به دلیل نفوذ حاج میرزا آقاسی متصوفه مورد توجه بودند. در دوره صدارت امیر کبیر تعارضات بین حکومت و علما شدت می‌گیرد و امیرکبیر برای محدود کردن روحانیون اقدام به محدود کردن محاکم شرع، منع بست‌نشینی و جلوگیری از شفاعت علما از مردم می‌کند. امتیاز رویتر و وجود دو طیف فکری جامعه هنگام خیزش تنباکو، از موضوعات مورد توجه در این فصل است دو طیف فکری موردنظر عبارت بودند از:

- ۱- گروهی که با بدبینی به اعمال، رفتار و کردار غربیان نگاه می‌کردند.
 - ۲- گروهی که معتقد بودند همان راهی را باید رفت که غربیان رفتند.
- فصل دیگر کتاب به تجارت خارجی و نظام سلطه در ایران عهد قاجار می‌پردازد. مؤلف ضمن اشاره به دو رویه امتیازات در ایران، می‌نویسد که اعطای امتیازات، دو آفت بزرگ به دنبال داشتند: از یک سو رشته مناسبات تجاری داخلی گسسته می‌شد و فرنگیان بر اقتصاد سلطه می‌یافتند و وضعیت فرهنگی جامعه از حالت سنتی خود خارج می‌شد. و از سوی دیگر روشنفکران برای تحرک اجتماعی و پیمودن مسیر رشد، اظهار می‌کردند که باید نهادهای سیاسی غرب را در ایران برپا کرد و از طریق عقد امتیازنامه‌ها و وارد کردن ایران در نظام مبادلات جهانی این روند را گسترش داد. دو طیف دیوانسالاران و زمین‌داران بزرگ و علما و عموم مردم که مبانی اعتقادی خود را در خطر



محمدعلی نجفی



حاج میرزا حسن آشتیانی

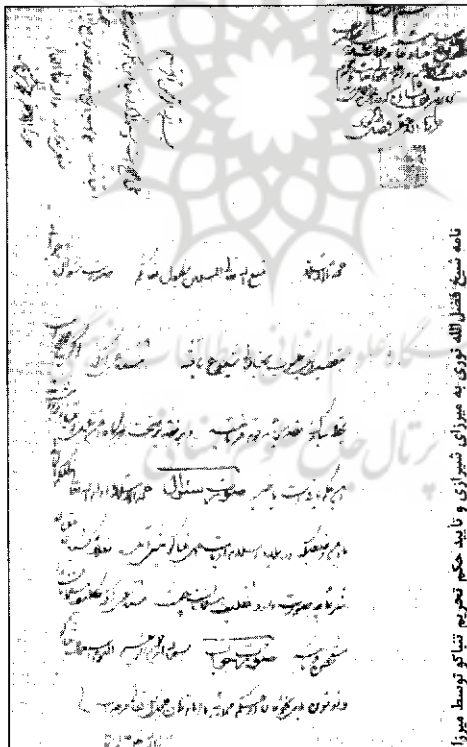
شاه مبنی بر برگرداندن اوضاع به وضعیت سابق و پاسخ و استدالات ناصرالدین شاه به آیت‌الله شیرازی پرداخته است. ناصرالدین شاه در استدلال اعطای امتیاز اعلان می‌کند که برای توازن قوا و مقابله با روسیه چاره‌ای جز اعطای امتیاز و عقد پیمان با دول بزرگ اروپا نداشته است و ایران جز قدم نهادن در راه ترقی چاره‌ای ندارد و این منوط به وجود نقدینگی است و خزانه خالی را تنها با دادن امتیاز می‌توان پر کرد. ناصرالدین شاه در ادامه بیان می‌دارد که چون تالbot امتیاز را فروخته است، او امکان لغو آن را ندارد و در صورت لغو آن باید خسارت بپردازد که با وجود خزانه خالی این امکان وجود ندارد.

خیزش اصفهان و تحریم تنباکو یکی از موضوعات مورد بررسی در کتاب است که فصلی را به خود اختصاص داده است. اهمیت خیزش مردم اصفهان از این جهت عنوان می‌شود که برای اولین بار نغمه تحریم تنباکو از این شهر برخاست و حاکم آن شهر یعنی ظل‌السلطان، حمایت خود را از امتیاز اعلام

نمود. ریاست علمای اصفهان با حاج شیخ محمدتقی معروف به «آقانجفی» بود. مؤلف سپس به شرح ویژگی‌های قیام مردم اصفهان پرداخته است.

در مورد خیزش مشهد، مؤلف معتقد است که چون این شهر از رهبری دینی تهی بود، در آن همانند شیراز، تبریز و اصفهان بسیج مردم صورت نگرفت و نیروی عمده حرکت مشهد را طلاب تشکیل دادند.

در فصل نهم با عنوان تحریم تنباکو و توقف عملیات رژمی، به جنبش تهران و نقش مجتهد بزرگ تهران میرزا حسن آشتیانی و ملک‌التجار پرداخته



نامہ شیخ فضل‌الله نوری به میرزای شیرازی و نایب‌الحکوم تبریز تنباکو توسط میرزا

می‌دیدند با این نظر مخالف بودند.

در فصل پنجم، مؤلف به اعطای امتیازنامه رژمی و نخستین واکنش‌ها پرداخته است. در داخل ایران نخستین مخالفت‌ها در شیراز صورت گرفت که رهبری مخالفین را سیدعلی اکبر فال اسیری برعهده داشت. از جمله ویژگی‌های جنبش شیراز که مورد توجه مؤلف قرار گرفته است عبارتند از:

۱- هیچ ردی از اصلاح‌طلبان در آن نبود. هیچ ارتباط تشکل یافته‌ای بین شهرهای مختلف نبود و رهبری در دست عالم نه چندان معروفی به نام سیدعلی اکبر فال اسیری بود و سخن از نقش پیروان سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ملکم خان در این جنبش بی‌اساس است.

به نظر مؤلف دغدغه اصلی مردم و علما حفظ تمامیت ارضی ایران و حفظ خلوص دینی جامعه بود و چون امتیاز از نظر اقتصادی راه را برای ورود بیگانگان باز می‌کرد و منجر به سلطه سیاسی می‌شد، مخالفت با آن حائز اهمیت بود.

در فصل ششم مؤلف به قیام تبریز و عقب‌نشینی رژمی و هم‌چنین نقش عالم بزرگ این شهر حاج میرزا آقا مجتهد تبریزی و همراهی نسبی والی آذربایجان حسنعلی امیرنظام گروسی که از مخالفین عهدنامه بود و هم‌چنین ویژگی‌های قیام تبریز اشاره کرده است. او از جمله ویژگی‌های قیام مردم تبریز را رهبری علما و هدف داشتن شورش و نقش زنان در این قیام ذکر کرده است.

تداوم جنبش و اولین اقدامات میرزای شیرازی از زمره مباحث کتاب است که مؤلف طی آن به درخواست آیت‌الله میرزا حسن شیرازی از ناصرالدین



حاج حسین مهدوی، امین الضرب دوم



«روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه»

که در آن اعتمادالسلطنه متن برخی اعلانات را بی کم و کاست آورده و

مشاهدات خود را نقل نموده است،

از منابع مورد استفاده مؤلف بوده

و مضمون مطالب آن

حاکی از مخالفت اعتمادالسلطنه

با امتیازنامه تنباکو است

شده است و از جمله موضوعات مهم این فصل حکم تحریم تنباکو و وجوه مختلف آن و اعتبار حکم است.

در مورد حکم نظرات مختلفی ابراز شده است: شیخ حسن کربلایی می گوید: متن حکم تحریم را هیچ کس غیر از میرزا حسن آشتیانی ندیده است. دولت آبادی آن را کار ملکالتجار می داند و از نظر امین الدوله این حکم مجهول و موهوم بوده است. اما مؤلف کتاب در درستی حکم تحریم تنباکو توسط آیت الله میرزای شیرازی هیچ تردیدی نمی بیند.

از مباحث مورد توجه مؤلف در این فصل جریان مذاکرات علما و دولت در جهت حل مشکل و لغو تحریم و امتیاز تنباکو و واکنش بسیار محدود اصلاح طلبان نسبت به امتیاز تنباکو است. نویسنده در نهایت به رد نظر نیکی کدی می پردازد که خیزش تنباکو را کار روشنفکران دانسته است.

در فصل دهم به خیزش تهران و الغای امتیازنامه رژی و همچنین به نامه های رد و بدل شده بین شاه و میرزا حسن آشتیانی اشاره شده است.

در فصل یازدهم با عنوان ادامه مقاومت تا رفع تحریم تنباکو به اعلان لغو امتیاز تنباکو به طور کامل و در پی آن لغو تحریم تنباکو از سوی آیت الله میرزای شیرازی و حوادث پس از الغای رژی پرداخته شده است. به نظر مؤلف، بانک شاهی ادامه موجودیت خود را مرهون الغای امتیازنامه رژی می دانست چون تأدیه خسارت های مورد ادعای رژی، سود سرشاری را عاید بانک نمود.

داوری نهایی

در بخش پایانی کتاب مؤلف در تحلیلی از جنبش تنباکو، چند نکته را بیان می دارد که تأمل در آنها برای تبیین حوادث بعدی تا مقطع مشروطیت لازم است و در ذیل برخی از آنها می آید:

۱ - صنف تاجر و بازرگانان اگرچه در جنبش حضور داشتند، ولی قادر به سازماندهی نهضتی اجتماعی و سیاسی نبودند و فقط می توانستند در طرحی کلی و فراگیر جا داشته باشند که آن طرح حفظ تمامیت ارضی و اعتقادی مردم بود که علما به طور سنتی در رأس آن بودند.

۲ - عناصر روشنفکر هیچ نقشی نداشتند و سخن گفتن از رهبری آنها یا طرفداران آنها در نهضت تنباکو بنیان مستحکمی ندارد.

۳ - به نقش روسیه در جنبش تنباکو نباید سهمی کلیدی داد و این مطلب که رقابت های استعماری روسیه با انگلیس سبب الغای رژی بوده است، سخنی بی پایه است و جنبش متعلق به مردم بوده و آنها سهم اساسی را داشتند.

۴ - تفکر حاکم بر نهضت تنباکو، مشروط ساختن مشروعیت نسبی حکام به حفظ تمامیت ارضی و جغرافیایی و حراست از باورها و اعتقادات دینی مردم بود.

۵ - هیچ عنصری غیر از تشیع قادر به خلق این همه همبستگی ملی نبود، مردم تحت رهبری علما فکر می کردند بنیاد ایمان دینی آنها در معرض مخاطره است و این امر باعث ایجاد آن همه شور و هیجان می شد.

۶ - باور بنیادین به الوهیت قدرت شاه وجود نداشته است و نفس جنبش تنباکو موید این معناست. اگر شاه قدرت مطلقه داشت به گونه ای از آن گرفتاری سیاسی رهایی می جست.